

Biannual Journal of Research in the

Interpretation of Quran

Year 12th, 23th consecutive

Spring & Summer 2026

Pages 143-186

DOI: [10.22049/quran.2026.31054.1494](https://doi.org/10.22049/quran.2026.31054.1494)

Original Article

Analysis of the Infallibles' (AS) Method in Explaining the Words and Concepts of the Cosmic Verses of the Quran*

Ali Qazanfari**

Hengame Arasp***

Davud Saemi****

Abstract

Understanding the systematic interpretive methods employed by the Infallibles (peace be upon them [PBUH]) in explicating the Qur'an's geological verses offers effective approaches to Qur'anic exegesis. The Ahl al-Bayt (peace be upon them [PBUH]) typically followed three procedures when interpreting the Qur'an's scientific verses: literal explanation, conceptual interpretation, and cross-referencing with other Qur'anic verses. Conceptual interpretation predominates, while literal explanation focuses on lexical meanings and elucidating specific terms. Attending to other Qur'anic verses and rational reasoning, the Infallibles and Companions expounded upon spiritual and scientific verses, including those concerning the subsidence of running water, water density, the first dam, the descent of iron, the absence of extinction, continental formation, and Earth's movement. This study examines the interpretive approaches of the Pure Imams toward the Qur'an's geological verses. Employing content analysis and library research, it scrutinizes relevant narrations by aligning geological verses with scientific hadiths and established natural sciences. Findings reveal that the Infallibles transcended the scientific knowledge of their era, articulating concepts unknown to contemporary thinkers and only later validated by modern science centuries afterward. To convey the meanings of these scientific verses, diverse methods, including lexical semantics, literal explanation, conceptual elucidation, illustration, ultimate expression, and conceptual-exemplary interpretation, were utilized. This diversity of methods demonstrates the comprehensiveness and perfection of the knowledge of those nobles in interpreting and explaining the divine verses.

Keywords: Geology, Hadiths of the companions, Hadiths of the infallibles (pbuh), Hadiths of scientific interpretation, Scientific Verses

* Received: 2025-10-01

Revised: 2025-12-10

Accepted: 2025-01-03

** Associate Professor, Department of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Islamic Teachings, Tehran, Iran. (The Corresponding Author)
Email: ghazanfari@quran.ac.ir

*** PhD in Quranic Interpretation and Sciences/Comparative Interpretation, Iran.
Email: Hengame14@gmail.com

**** Assistant Professor, Department of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Islamic Teachings, Tehran, Iran. Email: Da.saemi@quran.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

تحلیل روش معصومان (ع) در تبیین واژه‌ها و مفاهیم آیات

کیهانی قرآن*

علی غضنفری**

هنگامه آراسپ***

داود صائمی****

چکیده

شناخت روش تفسیری معصومان (ع) در تبیین آیات کیهانی و بیان مسیر تفسیری آنان در فرایند فهم آیات، می‌تواند راه‌گشای درک عمیق‌تر ما از مقصود خداوند در این عرصه باشد. چه این‌که آنان ضمن استدلال عقلی استوار به تبیین آیات پرداخته و به آیات آفاقی و انفسی مانند؛ ستارگان، حرکت ستارگان، بروج، علت اعطای مقام به آسمان و تسلیم تکوینی، تطبیق نور ماه و خورشید اشاراتی ظریف و دقیق داشته‌اند. بنابر این مهم، واکاوی روایات علمی آنان برای شناخت روش در تبیین و توضیح واژگان و عبارات آیات نجوم و کیهان‌شناسی ضرورت دارد و این چیزی است که نگارنده در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای در پی آن است. معصومان (ع) در تبیین لغوی واژگان قرآنی، به یک روش اکتفا نکرده‌اند و از شیوه‌های گوناگونی بهره جسته‌اند. پاره‌ای از این توضیحات از جنس معناشناسی و ریشه‌یابی لغات، بعضی از سنخ تبیین لغوی و تحلیل دلالت واژه‌ها، مواردی نیز با تبیین تمثیلی و بیان تصویری و ذکر بیان علت ارائه شده‌اند. این تنوع روش، نشان از جامعیت و کمال دانش آن بزرگواران در تفسیر و تبیین آیات الهی دارد.

کلیدواژه‌ها: آیات علمی قرآن، روایات معصومان (ع)، روش‌شناسی، کیهان‌شناسی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

** دانشیار گروه علوم قرآن، دانشگاه علوم قرآن و معارف اسلامی تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

ghazanfari@quran.ac.ir

*** دکترای تفسیر و علوم قرآن، تفسیر تطبیقی، ایران. ایمیل: Hengame14@gmail.com

**** استادیار گروه علوم قرآن، دانشگاه علوم قرآن و معارف اسلامی تهران، ایران. ایمیل: Da.saemi@quran.ac.ir



۱. مقدمه

تفسیر به معنای کشف مراد از لفظ مشکل است (الأزهری، ۱۴۲۱ق: ۲۸۳/۱۲؛ فیروز آبادی، ۱۴۲۶: ۱۹۲/۲) که برخی آن را اظهار معانی معقول و کشف آن معنا دانسته‌اند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶) و علم مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ش: ۶۴/۱) و این تجربه با کشف قوانین از راه مشاهده و آزمایش به بازیابی روابط علی تکرار پذیر می‌پردازد و قابل تحقیق است (ساروخانی، ۱۳۹۳ش: ۸/۱ و ۲۹) و اجتهاد مفسر در کشف ارتباط بین آیات قرآن و اکتشافات علوم تجربی، به گونه‌ای باشد که اعجاز قرآن هویدا و ثابت شود و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها صلاحیت داشته باشد (رومی، ۱۴۰۷ق: ۵۴۹/۲). بنابراین، تفسیر علمی، ترکیبی وصفی از روش‌های تفسیری معاصر است که در خدمت تبیین آیات قرآن قرار می‌گیرد و روش مجموعه تدابیری است که برای شناخت حقیقت و دوری از لغزش به کار برده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۳ش: ۲۶/۱-۲۹). لذا، برای کشف مجهولات هر علمی نیاز به مجموعه روش‌ها و ابزار و فنون خاص در همان علم است. چنانچه معصومان (ع) برای تبیین آیات قرآن از روش‌های مختلفی بهره‌برده‌اند.

آیات کیهانی شامل مجموعه‌ای از آیات است که به دانش نجوم و خلقت جهان و به توصیف پدیده‌های آسمانی هم‌چون ستارگان، سیارات و فرایندهای طبیعی می‌پردازد و مخاطب را به تأمل در آفرینش و عظمت خلقت فرا می‌خواند. این آیات به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست آیاتی که به طور مستقیم به موضوعات نجومی و کیهانی اشاره دارند. دوم آیاتی که به پردازش مفهوم وجودی و معنوی آسمان و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها سخن می‌گویند.

روش‌های تفسیری معصومان (ع)، در آیات علمی به‌ویژه واژگان و مفردات آن نقش تأثیرگذاری در فهم و برداشت‌های دقیق از آیات دارد؛ زیرا درک صحیح از هر متن از جمله قرآن کریم مبتنی بر دانستن معنای واژگان و عبارات آن است که خلأ آن در میان پژوهش‌ها در ابعاد مختلفی خود را نشان می‌دهد.

۱-۱. ضرورت پژوهش

کاوش در روایات معصومان (ع) و نظام منسجم روش‌های تفسیری آنان در تفسیر آیات علمی در فرایند فهم و تبیین علمی آیات قرآن و دستیابی به مراد خداوند متعال، می‌تواند راهکارهای کارامدی را ارائه دهد. چه این که اهل بیت (ع) با تکیه بر آیات قرآن، استدلال‌های عقلی و اشاره‌های ظریف به آیات الهی به تبیین دقیق معارف قرآنی پرداخته‌اند. تعامل معصومان (ع) در تفسیر علمی قرآن برگرفته از سبک‌هایی است که نقش تأثیرگذاری در فهم و برداشت‌های دقیق از قرآن به‌ویژه در آیات نجومی و کیهانی دارند، لذا توجه به این روش‌ها ما را در تفسیر بهتر و حقیقی‌تر این گونه آیات یاری می‌کند که به شکل کامل و واضح به آن پرداخته نشده است که اگر این روش‌ها شناخته شود، تأثیر بسیار در فهم بهتر آیات و تفسیر قرآن و حتی علوم طبیعی می‌گذارد و هم‌چنین، ارائه روشی نوین در تفسیر روایی - تحلیلی این گونه آیات قرآن خواهد بود. نوع ضرورت در این مقاله بنیادی است و از پژوهش‌هایی است که به موضوعات زیربنایی و نظری می‌پردازد و در پی شناخت و کشف روابط بین پدیده تفسیر علمی معصوم در آیات نجومی قرآن است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

برخی از تألیفاتی که به آیات و روایات علمی نجومی اختصاص دارند، معرفی می‌شود:

تحلیل روش معصومان (ع) در تبیین واژه‌ها و مفاهیم آیات کیهانی قرآن/غضنفری ۱۴۷

در برخی از خطبه‌های نهج‌البلاغه از حضرت امیر (ع) اشاراتی علمی به آیات کیهان‌شناختی شده‌است؛ مانند خطبه یک، که در پیدایش آسمان‌ها است.

کتاب «کشف‌الأسرار النورانیة القرآنیه» که محمد بن احمد اسکندرانی در تفسیر علمی قرآن در دو جلد نوشته با بهره‌گیری از تفاسیر و علم روز، خصوصاً نجوم به تفسیر آیات قرآن پرداخته‌است.

کتاب «کیهان و راه کهکشان» (۱۳۷۴ش)، با نگارش ویلارد و دیگران، ترجمه محمد امین احمدی به بررسی نجوم در کهکشان‌ها پرداخته‌است.

کتاب «نجوم به زبان ساده» از مایر دگانی (۱۳۸۲ش)، با ترجمه محمدرضا خواجه‌پور، در زمینه ستارگان و خورشید و سایر سیارات منتشر شده‌است.

کتاب «حدیث و علوم جدید» (منطق فهم احادیث علمی ۱۳۹۳)، از رضایی اصفهانی از آن جمله است؛ وی در فصل چهارم و پنجم به بررسی مصداقی احادیث علمی در حوزه علوم طبیعی از جمله نجوم پرداخته‌است.

کتاب «تفسیر آیات نجومی با تأکید بر پاسخ به شبهات» (۱۳۹۷ش)، از عیسی مسترحمی به مباحث کیهان‌شناسی و اختر فیزیک و هیأت از منظر قرآن اختصاص دارد و به نقد شبهات در این رابطه پرداخته‌است.

مقاله «نقش احادیث معصومین در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم» (۱۳۷۹)، اثر سیدمحسن موسوی و حجت علی‌نژاد حاکی از آن است که احادیث معصوم (ع) در معناشناسی واژه‌های قرآن می‌تواند نقش‌های مختلفی از جمله با عبور از معنای ظاهری لفظ تعیین مصداق کند.

معصومان (ع) در راستای فهم کلام الهی، در بسیاری از موارد با تبیین معانی واژگان قرآنی و بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع، به هدایت مخاطبان پرداخته‌اند، ولی

کمتر دیده شده که مفسران واژگان قرآن را از دیدگاه آنان بررسی کنند؛ نگارش حاضر با تمرکز بر سبک‌های تبیینی معصومان (ع) در شرح واژگان آیات کیهان‌شناختی قرآن، به تحلیل و بررسی این روش‌ها می‌پردازد. در این راستا، بیانات علمی موجود در روایات معصومان (ع) با توجه به یافته‌های قطعی علمی روز و تفاسیر معتبر، بررسی می‌شود. این رویکرد وجه تمایز این نوشتار را از سایر تحقیقات مشابه آشکار می‌کند.

۲. آیات کیهانی

کیهان‌شناسی یا Cosmology از واژه یونانی cosmas به معنای عالم و دانش مطالعه هستی است. این شاخه از ستاره‌شناسی، به بررسی مبدأ، تکامل و آینده جهان می‌پردازد. در گذر تاریخ، اخوان‌الرضا کیهان‌شناسی را علم شناخت افلاک، ستارگان، بروج، فواصل و حرکت آن‌ها می‌دانست. امروز، کیهان‌شناسی شاخه‌ای از نجوم است که ابعاد، فواصل، خواص فیزیکی و شیمیایی اجرام آسمانی و قوانین حاکم بر حرکات آن‌ها را رصد می‌کند. نجوم خود شامل گرایش‌های گوناگونی است؛ هیأت کروی: که به بررسی حرکات و وضعیت ستارگان می‌پردازد. هیأت نظری: تحلیل مواضع اجرام آسمانی با قوانین کپلر، مانند کسوف و خسوف. مکانیک آسمانی: مطالعه علل حرکات و نیروهای جاذبه و گریز از مرکز اجرام فلکی. فیزیک آسمانی: پژوهش در ترکیب فیزیکی و شیمیایی اجرام فلکی که جدیدترین شاخه است. هیأت علمی: شامل رصد و محاسبات است (زمانی قمشه‌ای ۱۳۸۷ش: ۳۱/۱-۳۴). قرآن بیش از ۳۰۰ بار از واژه آسمان، ۴۵۰ بار از زمین و ۳۰۰ بار از یوم و ایام، ۱۰۰ بار از شب و ۳۰۰ بار از خورشید و به‌طور گسترده‌ای از ماه و ستارگان و شهاب‌ها و دیگر موضوعات نجومی و کیهانی نام برده و از این پدیده‌ها و از آغاز آفرینش و ماده تشکیل‌دهنده آن‌ها و

مراحل و دوره‌های این آفرینش سخن رانده‌است (مسترحمی، ۱۳۹۷ش: ۵۹). بدین ترتیب، کیهان‌شناسی به مثابه چشم‌اندازی وسیع، کل جهان را از آغاز تا فرجام دربر دارد، در حالی که نجوم با جزئیات بیشتر به کالبدشکافی ساکنان این عالم بی‌کران می‌پردازد. آیات کیهانی قرآن به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان شده‌است که در روایات تفسیری معصومان (ع) نیز به همین صورت بازتاب یافته‌اند. در شیوة مستقیم، امامان (ع) به واژه‌شناسی و مفهوم‌شناسی آیات پرداخته‌اند و در روش غیرمستقیم از فنون جری و تطبیق، تمثیل و بیان علت، بهره‌جسته‌اند.

۳. تبیین روایات در آیات کیهانی قرآن

۳-۱. معنا و تبیین لغوی

درک هر کلام، در آغاز، به فهم واژگان و ساختارش بسته است. از این رو است که واژه‌شناسی مفردات قرآن کریم، ابزاری بنیادین برای گشودن معانی آیات الهی است و آگاهی دقیق از معانی الفاظ کلام حق، شرطی لازم و گریزناپذیر برای هر مفسر قرآن به‌شمار می‌آید (مهدوی‌راد و حسینی‌کوهی، ۱۳۹۱ش: چکیده).

تبیین واژگان قرآنی در احادیث معصومان (ع) تنوع خاصی دارد؛ برخی از مقوله معنای لغوی و بعضی از سنخ تبیین و تفسیر و مواردی از بیان تأویلی و تمثیلی و موارد دیگر بوده‌است (معارف، مجید و ابوالقاسم اجاقلو، ۱۳۸۸ش: ۱۴۹). یکی از شیوه‌های تفسیری در آیات علمی قرآن، واکاوی لفظی مفردات آیات الهی است. در این روش، معصوم (ع) با کاوش در ریشه‌ها و معانی لغوی واژگان آیه، پرده از مفاهیم آن برمی‌دارد. گاه تنها یک واژه را با مترادفش تبیین می‌کند، و گاه برای روشن‌سازی، به کلماتی آشناتر و ساده‌تر روی می‌آورد. شاید بتوان این شیوه را معناشناسی لغوی

نامید که بیش از هر چیز، به ترجمه و توضیح واژگانی نزدیک است (رستم‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۸). ولی معصوم (ع) در تبیین لغوی، فقط به ترجمه و آوردن واژه مترادف بسنده نمی‌کند، بلکه فراتر از آن یعنی به تبیین و تفسیر واژگان قرآنی می‌پردازد که به چند نمونه از معنا و تبیین لغوی اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. بروج آسمانی

ستارگان، کرات عظیم و درخشانی هستند که منبع نور خودشان را دارند. این اجرام آسمانی در فضا به حرکت درمی‌آیند، اما به دلیل فواصل بسیار زیاد مکانی و زمانی، رصد مستقیم این حرکات برای ما دشوار است (مسترحمی، ۱۳۹۷ش: ۳۲۶). قرآن کریم در آیاتی چون (بروج: ۱ و فرقان: ۶۱ و حجر: ۱۶) واژه «بروج» را به کار برده است که رسول گرامی (ص) آن را، «ستارگان» معنا کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۸/۵۵؛ برازش، ۱۳۹۴: ۴۶۰/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۱/۶).

امام باقر (ع) نیز در تفسیر آیه «جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا» (فرقان: ۶۱)، واژه «بروج» را به طور مشخص به معنای «ستارگان» (الْكَوَاكِبُ) بیان داشته‌اند «فَالْبُرُوجُ الْكَوَاكِبُ» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۶/۲؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۵/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴/۱۴۵؛ برازش، ۱۳۹۴ش: ۴۶۰/۱۰). این تفسیر، معنای لغوی و منظور آیه را به وضوح روشن می‌سازد. روایاتی که واژه «برج» از سوی معصومین (ع) به معنای «ستاره» تأیید شده است، بیانگر معنای لغوی و معنای مترادف آن است. واژگان قرآنی دیگری مانند «نجم» (نجم: ۱) و «کوکب» (صافات: ۶) نیز از مترادف‌های «برج» به شمار می‌روند.

در روایتی دیگر امام صادق (ع) «بروج» در آیه «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا» (حجر: ۱۶) را منازل خورشید و ماه، معنا کرده‌اند: «أَيُّ مَنَازِلَ لِلشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَزَيَّنَّاها

لِلنَّازِظِينَ بِالْكَوَاكِبِ النَّبِيرَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۵/۶۸، حویزی ۱۴۱۵: ۴/۳، برازش، ۱۳۹۴ش: ۷/ ۴۵۲). از این رو، تبیین لغوی واژه است. واژه «بروج» ریشه در «تبرج» به معنای آشکارشدن و خودنمایی دارد، چراکه این ستارگان بزرگ، با ابزارهایی برای اهل زمین پدیدار و قابل رؤیت هستند. در واقع، بروج همان ستارگان درخشان و بزرگی هستند که در آسمان می‌درخشند. هنگامی که از «بروج» به عنوان «سیارات» یاد می‌شود، منظور منازل و قرارگاه‌های ستارگان و اجرام آسمانی چون زحل، مریخ، مشتری، زهره، عطارد، خورشید و ماه است. (سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۶۰).

این منازل، نقش کلیدی در تعیین تقویم و حساب ایام ایفا می‌کنند. حرکت ماه و خورشید در این منازل، اساس چرخه شبانه‌روز و در نهایت، تعیین سال و ماه را فراهم می‌سازد (علامه ۱۳۷۴: ۱۳/۱۰). این همان معنایی است که در آیه شریفه «قَدَرُهُ مَنَازِلَ لَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ» (یونس: ۵) نیز به آن اشاره شده است، که خداوند، منازل را برای تعیین تعداد سال‌ها و حساب (ایام) مقدر فرموده است و احتمالاً امام (ع) منازل خورشید و ماه را با توجه به این آیه بیان داشته‌اند. علی بن ابراهیم نیز بروج را در آیه مذکور به معنای منازل خورشید و ماه معنا کرده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱/ ۳۷۳).

امام باقر (ع) «بروج» را در آیه «جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا» (فرقان: ۶۱)، منازل چهارگانه فصل‌های سال معنا کرده و هر یک از ماه‌های دوازده‌گانه را مشخصاً نام برده‌اند: «الْبُرُوجُ الَّتِي لِلرَّبِيعِ وَالصَّيْفِ الْحَمَلُ وَ.. وَ هِيَ اثْنَا عَشَرَ بُرْجًا»، (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۱۱۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴/ ۱۴۵؛ برازش، ۱۳۹۴ق: ۱۰/ ۴۶۰) که به ماه‌های ارسطویی معروف است. از این رو، تبیین لغوی واژه محسوب می‌شود.

در روایت دیگری، امام صادق (ع) با استناد به بخش دوم آیه شریفه «وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا»، به حرکت پیوسته و منظم خورشید و ماه در مدارهایشان اشاره

می‌کند. ایشان بیان می‌کنند که این دو جرم آسمانی، در مداری ثابت غوطه‌ورند و به‌طور مداوم در گردش‌اند؛ این گردش، گاه موجب طلوع و گاه غروب آن‌ها می‌شود و همین چرخه، اساس پیدایش روزها، ماه‌ها و سال‌ها را تشکیل می‌دهد. این سال‌ها نیز به‌نوبه خود، منشأ فصول چهارگانه هستند؛ چراکه ماهیت متفاوت اعمال در هر فصل، ریشه در تغییر طول شب و روز دارد. آن حضرت (ع) می‌فرمایند: «يَسْبَحَانِ فِي فَلَكٍ يَدُورُ بِهِمَا دَائِبَيْنِ يُطْلِعُهُمَا تَارَةً وَيُؤْفِلُهُمَا أُخْرَى فَبَنَى عَلَيْهِ الْإَيَّامَ وَالشُّهُورَ وَالسِّنِّينَ الَّتِي هِيَ مِنْ سَبَبِ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَالرَّبِيعِ وَالْخَرِيفِ أَرْزَمَنَهُ مُخْتَلِفُهُ الْأَعْمَالِ أَصْلُهَا اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۹۱/۳؛ برازش، ۱۳۹۴ش: ۴۶۰/۱۰).

دانشمندان علم نجوم نیز این حقیقت را تأیید می‌کنند. بر اساس توضیحات آنان، زمین در طول یک سال، در مداری تقریباً بیضوی به دور خورشید می‌چرخد که به آن «دایره البروج»^۱ می‌گویند. این مفهوم در واقع، نشان‌دهنده تصویر صفحه مدار زمین به دور خورشید بر روی کره سماوی است. ما دایره البروج را مشاهده می‌کنیم، زیرا زمین به دور خورشید می‌چرخد. اگر از فضا به منظومه شمسی نگاه کنیم، مدار زمین^۲ در واقعیت یک دایره سه‌بعدی است، اما از دید ما روی زمین، خورشید در یک سال روی این دایره حرکت می‌کند (اسمارت، ۱۴۰۱: دایره البروج).

«منطقه البروج»^۳ یک نوار یا کمربند پهن در کره آسمان است که دایره البروج را در مرکز خود دارد و تقریباً ۸ تا ۹ درجه به سمت شمال و جنوب آن امتداد می‌یابد. این نوار اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا مسیر ظاهری ماه و تمام سیارات اصلی منظومه شمسی که با چشم غیرمسلح قابل رؤیت هستند (عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل)

-
1. The Ecliptic
 2. Ecliptic Plane
 3. The Zodiac

در داخل آن قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، شما هرگز یک سیاره یا ماه را خارج از این نوار آسمانی مشاهده نمی‌کنید. این منطقه به ۱۲ قسمت مساوی تقسیم شده‌است که به نام ۱۲ صورت فلکی سنتی نامگذاری شده‌اند (مانند حمل، ثور، جوزا و غیره). این صور فلکی، پس‌زمینه‌ای هستند که خورشید در طول سال به‌نظمی‌رسد در مقابل آن‌ها حرکت می‌کند (همان: منطقه البروج)، لذا این کتاب دایرة البروج را به‌عنوان یک صفحه مرجع هندسی-سمای و منطقه البروج را به‌عنوان نوار آسمانی میزبان سیارات و ماه تعریف می‌کند.

از این‌رو، می‌توان تعبیر دانشمندان امروزی را ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده توضیحات نورانی حضرات معصومین (ع) دانست؛ زیرا که با زبان همان دوران، حقایق را بیان می‌کنند که با گویش و درک آن زمان سازگار بوده‌است. این همسویی نشان می‌دهد که تفاسیر ارائه‌شده از سوی معصومان (ع)، با توجه به دانش روز زمان خودشان، به بیان مسائلی می‌پردازند که امروزه در علم نیز تأیید می‌شود. هرچند ممکن است تمام جزئیات علمی مربوط به حرکت خورشید و انواع دقیق آن، در آن دوران کشف نشده‌باشد، اما اشارات قرآنی و تفاسیر معصومان (ع) راه را برای درک عمیق‌تر این پدیده‌ها هموار کرده‌است. از این‌رو، تفسیر آیات کیهان‌شناسی روشی است که با در نظر گرفتن محاسبات نجومی گردش ماه و خورشید همراه است. این روش با علم امروزی و تفاسیر معاصر سازگار است و جامعیت کلام الهی و اهل بیت (ع) را نمایان می‌کند.

۳-۱-۲. منظور از آید موسع

در روایتی گران‌سنگ، رسول گرامی اسلام (ص)، مصادیق «ید» را برشمردند و برای تأیید کلام خویش، به آیات قرآن استناد فرمودند. آنجا که عبدالله بن سلام از حضرت

(ص) پرسید: «آن پنج چیزی که خداوند با قدرت خویش آفرید، کدامند؟» حضرت پاسخ دادند: «خداوند، بهشت عدن و درخت طوبی را به دست قدرت خود آفرید؛ آدم (ع) را با دست خویش صورتگری کرد؛ تورات را با دست توانای خود نگاشت و آسمان‌ها را نیز به دست قدرت خود بنا نهاد» پرسشگر برای تصدیق سخن حضرت، آیه شریفه «وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» (زمر: ۶۷) را تلاوت کرد. در این هنگام، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «آیا نشنیده‌ای که خداوند فرموده: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷)، یعنی: آسمان‌ها را با قدرت بنانده‌ایم و ما همواره وسعت‌دهنده‌ایم. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ جَنَّةَ بَيْدِهِ وَ غَرَسَ شَجَرَةً طُوبَى بَيْدِهِ وَ صَوَّرَ آدَمَ (ع) بَيْدِهِ وَ كَتَبَ التَّوْرَةَ بَيْدِهِ وَ بَنَى السَّمَاوَاتِ بَيْدِهِ قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ قَالَ صَدَقْتَ قَالَ يَا ابْنَ سَلَامٍ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ تَعَالَى وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷) قَالَ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ...» (مفید ۱۴۱۳ق: ۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۴۳/۵۷). در این روایت، «يَد» و «أَيْدٍ» به صورت مکرر به کار رفته‌اند تا استعاره‌ای از «قدرت خالق» را بیان کنند؛ قدرتی که به صورت مباشر و بدون واسطه در خلق پدیده‌های عظیم ظهور یافته‌است. پیامبر (ص) با استناد به آیه شریفه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷)، این معنا را تقویت کرده‌اند و از «أيد» به عنوان نشانه‌ای از اقتدار مطلق الهی یاد می‌کنند.

روایت دیگری که به معنای لغوی در آیه علمی پرداخته‌است روایت امام الباقر (ع) است که واژه «أيد» را قدرت و قوت معنا کرده‌است^۱ (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۳۰).

۱. «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ فَقُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ فَقَالَ أَلَيْدُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ الْقُوَّةُ وَ النِّعْمَةُ قَالَ اللَّهُ وَ أَذْكَرُ عَبْدُنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ وَ قَالَ وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ أَيْ بِقُوَّةٍ وَ قَالَ وَ أَيْدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ أَيْ قُوَّاهُمْ وَ يُقَالُ لِفُلَانٍ عِنْدِي أَيَْادِي كَثِيرَةٌ أَيْ فَوَاضِلُ وَ إِحْسَانٌ وَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ بَيْضَاءُ أَيْ نِعْمَةٌ

تحلیل روش معصومان (ع) در تبیین واژه‌ها و مفاهیم آیات کیهانی قرآن/غضنفری ۱۵۵

مجلسی، (نقل از توحید و معانی الاخبار) ۱۴۰۳ق: ۴/۴، حویزی (نقل از توحید صدوق)، ۱۴۱۵ق: ۴/۴۷۲، برازش ۱۳۹۴ش: ۱۵/۱۴۲).

تعبیر امام (ع) بر این نکته تأکید دارد که در زبان عربی، «أید» نه به معنای جمع «ید»، بلکه مصدر از ریشه «آدَ یَئیدُ» بوده و معنای اصلی آن «قدرت» و «توانمندی شدید» است.

چنان‌که در کتب لغوی نیز آید از آد، یَئیدُ أیداً به معنای نیرومند و توانا آمده است (فراهیدی، بی تا: ۸/۹۷، جوهری، ۱۴۱۰ق: ۲/۴۴۳، ابراهیم انیس، ۱۳۹۲ش: ۱/۷۲)، ولی برخی آید را جمع یدی دانسته و به آیه مذکور استناد جسته‌اند و بر همان معنای قدرت، به صورت کنایه از فعل مستقیم خداوند تأکید کرده‌اند. بنابراین، حضرت رسول (ص) و امام باقر (ع) همراه با معنای واژه و استناد به قرآن و تأکید بر وسعت بخشیدن آسمان‌ها، اشاره به نکته علمی آیه نیز دارند.

علامه طباطبایی نیز می‌گوید: «أید» گاه به معنای قدرت و گاه به معنای نعمت است و با توجه به سیاق آیه، مقصود از آن قدرت خالق بر گسترش آسمان‌ها است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۸/۵۷۲).

طبری «بأید» را «بُقدرة» دانسته و «موسعون» را به «توان ما بر گسترش بیشتر» تفسیر کرده (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۲/۴۵۷) و زمخشری همان معنا را پذیرفته و «موسعون» را نماد استمرار آفرینش دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴/۴۲۹). فخر رازی گسترش را استعاره از وسعت رزق و نعمت گرفته است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۸/۴۴).

در تفسیر طنطاوی نیز «وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» به معنای «ما پیوسته گسترش دهنده‌ایم» آمده و «وسع» را بیانگر توان و قدرت الهی در توسعه مستمر آفرینش دانسته است.

(طنطاوی، ۱۳۴۱ق: ۲۷/۱۴). بنابراین، در تطوّر تاریخی تفسیر، معنای «أید» نسبتاً ثابت مانده (قدرت)، اما «موسعون» از «قدرت بر گسترش» در دوره‌های کلاسیک، به «گسترش واقعی و پویا» در دوره معاصر تحول یافته‌است.

در نگاه علمی، تعبیر «وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» را می‌توان معادل با حقیقتی دانست که قرن‌ها بعد، با کشف‌های اخترشناسی آشکارشد. در اوایل قرن بیستم، آلبرت اینشتین نظریه نسبیت عام را ارائه و مفهوم فضا-زمان را به‌عنوان بُعدی پویا مطرح کرد. اندکی بعد، ادوین هابل با اندازه‌گیری فاصله کهکشان‌ها دریافت که جهان در حال انبساط است و کهکشان‌ها همگی از یکدیگر دور می‌شوند. این کشف یکی از شگفت‌انگیزترین یافته‌های علمی بشر بود که مبنای مفهوم «جهان متوسّع» قرار گرفت. طبق اندازه‌گیری‌های نوین، نرخ انبساط جهان که به «ثابت هابل» معروف است، حدود ۷۱ کیلومتر بر ثانیه در هر مگاپارسک برآورد شده‌است (هویل، ۱۹۱۵م: ص ۳۳۸).

این بدان معنا است که هرچه جسمی دورتر باشد، سریع‌تر از ما دور می‌شود؛ حقیقتی که دقیقاً با تعبیر «وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» مطابقت دارد.

این یافته‌ها مؤید آن است که کیهان ساختاری پویا و گسترش‌پذیر دارد، نه ایستا. تعبیر «وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» از نظر نحوی و بلاغی، دقیقاً مفهومی از گسترش مستمر و بی‌وقفه را افاده می‌کند، از این‌رو، بین معنای زبانی آیه و نظریه انبساط جهان نوعی هم‌خوانی معنایی و اشاری پدید آمده‌است. با این حال، مفسران معاصر تأکید دارند که این هم‌خوانی به معنای تفسیر فیزیکی آیه نیست، بلکه نشانه‌ای از «پویایی آفرینش در نگرش قرآنی» است که علم بعدها آن را با زبان ریاضی بیان کرده‌است. قرآن در قالب بیانی موجز و استعاری، حقیقتی را طرح کرده که از منظر کیهان‌شناسی جدید قابل انطباق و تأیید است، بی‌آنکه از معنای اصیل الهی خارج شود.

از این رو در تحلیل لغوی و تفسیری، «آید» به معنای قوّت و توان و «وسع» به معنای گستراندن دائمی معنا می‌دهد و در تحلیل علمی مدرن، انبساط جهان بر اساس مشاهدات نجومی و معادلات فضا-زمان، بازتابی از همان مفهوم گسترش مستمر آسمان‌ها است که قرآن قرن‌ها پیش به صورت موجز بیان کرده‌است.

با این که صرف معنادرند یک یا چند واژه، به خودی خود، دلیلی قاطع بر پرداخت قطعی معصوم (ع) به تفسیر علمی و تجربی آیه نیست، اما واقعیت آن است که آیات قرآن، هنگامی که به مسائل کیهانی و علمی اشاره و با بیانی موجز، حقایق را کشف می‌کنند که سال‌ها بعد دانشمندان به آن‌ها دست می‌یابند، طبیعتاً این پرسش را برمی‌انگیزد که آیا معصوم (ع) از این نکات علمی نهفته در آیه، غافل بوده‌است؟ قطعاً پاسخ منفی است. معصوم (ع) با توجه به عمق آیه و ظرافت واژگان آن، معنا و تبیین لازم را ارائه می‌داده و بی‌شک به جنبه‌های علمی آن نیز عنایت داشته‌است، اما با در نظر گرفتن سطح درک و دانش غالب مردم در آن دوران، بیان این حقایق به شکلی سربسته و با ایجاز، راهی حکیمانه برای حفظ فهم عمومی و در عین حال، گشودن راهی برای درک عمیق‌تر در آینده بوده‌است.

بنابراین، می‌توان گفت آیه «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» از دو جنبه بر عظمت خالق اشاره دارد:

۱. از منظر زبان و تفسیر روایی، بیانگر قدرت مطلق و بی‌نظیر خداوند در خلقت و تدبیر است.

۲. از منظر علمی و کیهان‌شناسی، با مفهوم انبساط جهان و پویایی مداوم کیهان هماهنگی شگفت‌انگیزی دارد؛ گویی وحی الهی، به گونه‌ای موجز حقیقتی را بازگو کرده که علم قرن‌ها بعد توانسته‌است آن را به عدد و فرمول تبدیل کند.

۳-۲. بیان تصویری

گاهی در برخی واژگان بیان تبیینی با ارائه صورت تجسمی و نموداری از مفهوم آن واژه همراه می‌شود و معصومان (ع) از این روش برای تبیین واژه قرآنی استفاده می‌کنند (معارف و اجاقلو، ۱۳۸۵ ش: ۱۶۱).

۳-۲-۱. کمبود اکسیژن در فضا

تحلیل روایات تفسیری اهل بیت (ع) در مورد آیات قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین شواهد بر اعجاز علمی کلام ایشان است. در این بخش، تمرکز بر تفسیر امام صادق (ع) درباره واژه‌های «ضیق» و «حرج» در آیه ۱۲۵ سورة انعام است: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ يُجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (انعام: ۱۲۵).

این آیه، حال گمراهی را به حال کسی تشبیه می‌کند که در حال صعود به آسمان است و دچار تنگی سینه و حرج می‌شود. نکته کلیدی، فهم تفاوت دقیق بین «ضیق» (تنگ) و «حرج» (بسیار تنگ و مسدود) است که امام (ع) با روش‌های بیانی و عملی آن را تبیین فرموده‌اند. امام صادق (ع) معنای «حرج» را نه تنها با کلام، بلکه با تمثیل عملی برای مخاطب مجسم ساختند. «هنگامی که از معنای «حرج» پرسیده شد، امام (ع) دستان خود را محکم به هم چسبانده و فرمودند: «بِيَدَيْهِ وَضَمَّ أَصَابِعَهُ الشَّيْءُ الْمُضْمَتُ الَّذِي لَا يَخْرُجُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَا يَدْخُلُ فِيهِ شَيْءٌ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ۳۷۷/۱، مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۳، برازش، ۱۳۹۴ ش: ۵۸۴/۴).

این اشاره عملی، دلالت بر انسداد مطلق دارد نه اجازه خروج (تنفس) و نه اجازه ورود (دریافت اکسیژن). این تفسیر فراتر از یک تنگی ساده (ضیق) است و به بسته‌شدگی کامل و غیرقابل نفوذ اشاره دارد.

آنچه که باید بدان توجه داشت این است که معصوم (ع) در ضمن توضیح واژه، معنای آیه را نیز بیان می‌دارد. زیرا جمله با واژگان آن معنا می‌شود و فهم هر کلام، مستلزم گشودن قفل واژه‌ها و درک ارتباط پنهان میان آن‌ها است. بنابراین، با توجه به منطوق روایت، مفهوم این می‌شود: انسانی که به آسمان صعود می‌کند دچار تنگ‌شدن سینه و یا بسته‌شدن راه تنفسی او می‌شود.

در روایتی دیگر، امام (ع) تمایز دقیق‌تری ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد این دو واژه مترادف نیستند؛ زیرا خداوند از حشو و تکرار بیهوده در کلام میرا است: «قَدْ يَكُونُ ضَيْقًا وَ لَهُ مَنْفَذٌ يَسْمَعُ مِنْهُ وَ يُبْصِرُ وَ الْحَرَجُ هُوَ الْمُلتَمَّامُ الَّذِي لَا مَنْفَذَ لَهُ يَسْمَعُ بِهِ وَ لَا يُبْصِرُ مِنْهُ» (حویزی ۱۴۱۵ق: ۵۷۶/۱، بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۴۷۷/۲). ضیق حالتی است که سینه تنگ است، اما روزنه یا منفذی برای شنیدن یا دیدن وجود دارد (حتی اگر با سختی). این حالت ممکن است نشان‌دهنده تنگ‌نظری یا تعصب باشد که هنوز مسیر دریافت حق را به‌طور کامل مسدود نکرده است.

حَرَجَ حالتی است که کاملاً مسدود و درهم‌تنیده (مُلتَمَّام) شده و هیچ منفذی برای شنیدن یا دیدن ندارد. این اوج گمراهی است که امکان درک ندارد.

این تفاوت دقیق، از سوی لغت‌شناسان بزرگ عرب نیز تأیید شده است؛ برای مثال، ابوهلال «حَرَجَ» را به «ضَيْقٌ لَا مَنْفَذَ لَهُ» (تنگی بدون منفذ) تعریف می‌کند و ابن منظور آن را «أَضْيَقُ الضَّيْقِ» معنا می‌کند (ابوهلال عسکری ۱۴۰۰ق: ۳۰۱، ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۳۳/۲). برخی معنایی نزدیک به هم برای این دو واژه بیان داشته‌اند (غضنفری، ۱۴۰۰: صص ۱۲۱ و ۱۷۸) و ضیق، به معنای تنگ است (خوارزمی زمخشری، ۱۳۸۶ش: ۱۱۴) و فقط روزنه‌ای است که به سختی چیزی وارد و خارج می‌شود. تشبیه گمراهی به صعود در آسمان، زمانی اعجاز بیشتری می‌یابد که آن را در

بستر دانش‌های فیزیکی زمانه خود و پس از آن تحلیل کنیم. چالش فیزیکی صعود: انسان برای زنده ماندن به اکسیژن (حدود ۲۱٪ در سطح زمین) نیاز دارد، با افزایش ارتفاع، فشار هوا و در نتیجه غلظت اکسیژن به شدت کاهش می‌یابد.

همان‌طور که در منابع پزشکی و فضایی اشاره شده است، در ارتفاعات بالای ۴۰۰۰ متری، عوارضی نظیر تنگی نفس، سردرد و تهوع (ناشی از هیپوکسی یا کمبود اکسیژن) آغاز می‌شود و در ارتفاعات بالاتر (مثلاً ۶۰۰۰ متر به بالا) بی‌حالی و از دست رفتن هوشیاری رخ می‌دهد (علایی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۹۵). این وضعیت دقیقاً همان چیزی است که فرد در آن دچار تنگی نفس شدید و انسداد مسیر حیاتی می‌شود. صعود در آسمان به سبب کمبود اکسیژن، حالتی از «ضیق» (تنگی نفس) را ایجاد می‌کند که اگر ادامه یابد، به «حَرَج» (انسداد کامل و مرگ مغزی/فیزیکی) منتهی می‌شود.

این روایت، یک پیوند استوار بین آموزه‌های معنوی و حقایق فیزیکی جهان ایجاد می‌کند. امام صادق (ع) در قرن دوم هجری، بدون ابزارهای علمی و تجهیزات اندازه‌گیری، به‌طور ضمنی به پدیده‌های فیزیولوژیک ناشی از ارتفاعات بالا اشاره کرده‌اند که کشف علمی آن‌ها قرن‌ها بعد میسر شد. ایشان با استفاده از ساده‌ترین تمثیل‌های حسی (فشاردن دست‌ها و اشاره به تنگی نفس در صعود)، عمیق‌ترین وضعیت انحراف فکری (انسداد قلب و ذهن از پذیرش حق) را برای مردم زمان خود ملموس ساختند، در حالی که مفاهیم علمی پشت آن، در آن دوران برای بشر کشف نشده بود. این امر گواه بر آگاهی ایشان از ساختار آفرینش فراتر از دانش متعارف زمانه است.

۳-۳. تبیین تمثیلی

«در میان روایات تفسیری، بیاناتی دیده می‌شود که معصومین (ع) در مواردی به‌منظور آسان‌سازی و انتقال سریع مفاهیم به مخاطب، از عنصر تمثیل و همانندسازی استفاده

می‌کرده‌اند. این روش در شرایطی متناسب با سطح آگاهی و فهم مخاطبان به‌کار گرفته می‌شد» (رستم‌نژاد، ۱۳۸۸ش: ۲۱).

۳-۱. سجده تکوینی خورشید

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برای تفسیر و درک بهتر آیه «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (حج: ۱۸)، با استفاده از روش تمثیل سجده خورشید یا به عبارتی تکوین خورشید را چنین بیان می‌دارد: «خورشید، سیصد و شصت بُرج دارد که هر یک از آن برج‌ها مانند جزیره‌ای از جزایر عرب است و هر روز بر یکی از آن برج‌ها فرود می‌آید و چون غروب کند، به نزدیک عرش می‌رود و تا فردا هم‌چنان در سجده است. سپس به جایگاهی که از آن طلوع می‌کرد، بازگردانده می‌شود و دو فرشته همراه خورشید بانگ سر می‌دهند. روی خورشید به طرف اهل آسمان و پشت آن به سوی اهل زمین است که اگر روی آن به سوی اهل زمین بود، زمین و هر آن‌کس که بر روی زمین است، از شدت گرمای آن می‌سوخت»^۱. حضرت با تلاوت آیه مذکور می‌فرماید معنای سجده خورشید همان است که خداوند در آیه بیان داشته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۷/۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۴۱/۵۵؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴۷۵/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۸۶۰/۳ و برازش، ۱۳۹۴ش: ۶۰۰/۹). این متن، گنجینه‌ای است از لطایف قرآنی و روایی که ارتباط عمیقی بین کلام الهی و نظم شگفت‌انگیز عالم هستی برقرار می‌کند و با

۱. «إِنَّ لِلشَّمْسِ ثَلَاثِمِائَةً وَسِتِّينَ بُرْجاً كُلُّ بُرْجٍ مِنْهَا مِثْلُ جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْعَرَبِ فَتَنْزِلُ كُلُّ يَوْمٍ عَلَى بُرْجٍ مِنْهَا فَإِذَا غَابَتْ انْتَهَتْ إِلَى حَدِّ بَطْنَانِ الْعَرْشِ فَلَمْ تَزَلْ سَاجِدَةً إِلَى الْغَدِ ثُمَّ تَرُدُّ إِلَى مَوْضِعٍ مَطْلُوعٍ وَمَعَهَا مَلَكَانِ يَهْتِفَانِ مَعَهَا وَ إِنَّ وَجْهَهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَقَفَّاهَا لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَلَوْ كَانَ وَجْهَهَا لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَاحْتَرَقَتِ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا مِنْ شَيْءٍ حَرًّا وَمَعْنَى سَجُودِهَا مَا قَالَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَلَمْ تَرَ... وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ»

توجه به مخاطب تمثیل گونه بیان شده است. این روایت اشاره به شعور کلیه مخلوقات خداوند از جمله خورشید دارد.

روایت منسوب به امیرالمومنین (ع) تصویر تمثیلی از نظم حرکتی خورشید است؛ مقصود از «۳۶۰ برج»، مسیر روزانه‌ای است که خورشید در سپهر آسمان می‌پیماید و «سجده» در این روایت به معنای تسلیم وجودی خورشید در برابر نظام الهی و قوانین تکوینی او است. امام (ع) بدین‌گونه، مفهوم آیه را از ساحت زبانی به ساحت هستی‌شناسی منتقل می‌کند. اهل لغت سجده را خضوع، انقیاد، ذلت، میل از سر فروتنی دانسته‌اند (ابن معصوم مدنی، ۱۴۲۶ ق: ۴۱۵/۵؛ جوهری، ۱۴۱۰ ق: ۴۸۳/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۹۶؛ فیومی، بی‌تا: ۲/۲۶۶). بر این اساس، نسبت دادن سجده به خورشید یا کوه‌ها، دلالت بر خضوع تکوینی دارد نه عبادت آگاهانه و همه به‌سوی حق با هدایت تکوینی در حرکت‌اند. این معنای غیر تشریعی همان است که مفسران فلسفی و صدرایی بر آن تأکید دارند. چنان‌که حضرت امیر المؤمنین می‌فرمایند: «ما رأیت شیئا الا و رأیت الله قبله» (سجادی، جعفر، ۱۳۷۹ ش: ص ۳۵۷).

علامه طباطبایی تصریح می‌کند که سجده موجودات غیر ذوی العقول، سجده تکوینی است؛ زیرا تمام ذرات عالم به امر خداوند قائم‌اند و وجودشان وابسته به اراده الهی است سجده‌ی تکوینی، همان اطاعت بی‌واسطه موجود از نظام آفرینش است، چون تمام موجودات در نظام خلقت خود منقاد امر خداوندند و سجده ایشان دائمی است. وی در ادامه، به نظریه ذی‌شعوری همگانی موجودات استناد می‌کند که ریشه در آیات الهی دارد (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ) (اسراء: ۴۴). بر همین پایه، نباتات و جمادات نیز ادراک خاص خود را دارند لذا علم در مراتب مختلف تجلی یافته است (علامه ۱۳۷۴ ش: ۵۰۷/۱۴). همین معنا را مفسران دیگر از

جمله مغنیه و مکارم در تفسیر خود تأیید کرده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۳۱۸/۵ و مکارم، ۱۳۷۱ش: ۴۹/۱۴-۵۰).

در فلسفه اسلامی، خصوصاً در حکمت صدرایی، «علم» مساوی با «وجود مجرد» دانسته شده است (ملاصدرا، ۱۴۱۰ق: ۴۴۷/۳). علامه طباطبایی نیز همین مفهوم را شرح می‌دهد: «هر وجود مجردی که ممکن باشد وجود پیدا کند، برای سایر مجردات حاضر و سایر مجردات هم برای او حاضرند. بنابراین، هر عالم و معلومی مجرد هستند و این دو قضیه به عکس نقیض منعکس می‌شود، به این‌که ماده و آنچه که از ماده ترکیب یافته، نه می‌تواند عالم باشد، نه معلوم و متغیر و متحرک است و بر هیچ حالی استقرار ندارد و این حال در آن‌ها دستخوش دگرگونی و تحول نگشته، هرگز از آن انقلاب پیدامی‌کنند. بنابراین، موجودات مادی از همین‌رو که ثابت در وضع خود هستند، تجرد و علم دارند و علم در آن‌ها نیز مساوی است، هم‌چنان‌که در مجردات محض و عقلیات مثالی جاری است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۸۰/۱۷-۵۸۱). از این‌رو، هر چه در عالم ماده، به‌رغم تغییر، ثباتی در نظام خود دارد، دارای شعور و ادراک تکوینی است. شدت این ادراک در جمادات و نباتات کمتر از حیوان و انسان است، اما اصل آن برقرار است. از نظر علمی، حرکت خورشید و زمین بر اساس دو اصل فیزیکی مسلم قابل توضیح است: ۱. حرکت انتقالی زمین به دور خورشید که باعث تغییر فصول، زاویه تابش و طول روز و شب است. ۲. انحراف محور زمین نسبت به صفحه مداری^۱ به‌اندازه حدود ۲۳/۵ درجه که منشأ تفاوت زاویه تابش خورشید در عرض‌های جغرافیایی مختلف می‌شود (Carroll, & Ostlie, 2007 : Chapter: The Solar System).

1. Obliquity of the Ecliptic

در نتیجه، خورشید همواره در مدار و قانون معین خود حرکت می‌کند و از دیدگاه فلسفی، همین انقیاد به نظام فیزیکی و قوانین طبیعت، جلوة سجدة تکوینی آن در برابر خداوند است. سجدة خورشید، نوعی سجدة وجودی است نه عبادی؛ خورشید با همه قوانین و حرکاتش منقاد امر خداوند است. نظام علت و معلول، نظم طبیعی و انتظام کیهانی، همگی مظاهر امر الهی و ارادة خالق‌اند و تفسیر امیرالمؤمنین (ع) از این آیه، گسترش معنایی قرآنی در قالب تمثیل است که به مخاطبان عصر خود امکان درک قانون‌مندی و نظم آفرینش را می‌دهد و نگاه علامه طباطبایی و صدرالمതألہین بنیان فلسفی این تفسیر را فراهم می‌سازد و علوم جدید، آن را از جنبه قانون‌مندی طبیعی تأیید می‌کنند. بدین‌سان، سجدة خورشید نماد پیوستگی قرآن، روایت، فلسفه و علم است؛ همه عالم، از ذرات تا کهکشان‌ها، در مدار تسلیم و اطاعت خالق واحد می‌چرخند و این چرخش جاودانه، خود عین سجده است.

۳-۲. تسلیم آسمان و زمین

آیه «لَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» (آل عمران: ۸۳)، به تسلیم‌شدن تمامی موجودات آسمان‌ها و زمین در برابر ارادة الهی، چه از روی میل و رغبت (طوع) و چه از روی اکراه و اجبار (کره) اشاره دارد. برای تبیین مفهوم واژه «کره»، امام صادق (ع) با استفاده از تمثیل، آن را به «ترس از شمشیر» (فَرَقًا مِّنَ السَّيْفِ) تفسیر می‌فرماید (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۹۱/۹؛ برازش، ۱۳۹۴ ش: ۶۶۸/۲). روایت امام صادق (ع) با تمثیل «ترس از شمشیر»، بهترین توضیح عرفی و آموزشی برای رساندن مفهوم کره است. وقتی این واژه در کنار شمشیر می‌آید، ترسی از جنس اجبار و بی‌اختیاری را تصویر می‌کند. بدین ترتیب، امام (ع) از راه تمثیل

حسی و انسانی، مفهوم «کره» را به معنای تسلیم بی‌اختیار در برابر قهر الهی تفسیر کرده‌اند. این تمثیل به‌ویژه در بستر تاریخی مخاطبان نخستین وحی معنا می‌یابد، در جایی که شمشیر نماد قهر و غلبه مطلق است. امام با به‌کارگیری این تصویر، نشان می‌دهند که همان‌گونه که انسان در برابر تهدید شمشیر اراده‌ای جز تسلیم ندارد، مخلوقات نیز در برابر اراده تکوینی خداوند چاره‌ای جز انقیاد ندارند. چنان‌که گفته شد تعبیر امام (ع)، جنبه تمثیلی-تعلیمی دارد. در منطق روایی اهل بیت (ع)، تمثیل ابزاری است برای ترجمه حقایق تجریدی تکوین در زبان تجربه انسانی. پس، روایات امام صادق (ع) در سه سطح معنا عمل می‌کنند: تفسیر لغوی؛ تبیین «کره» به معنای اکراه. تمثیل تربیتی؛ تبدیل مفهوم به تجربه ملموس (ترس از شمشیر). توسعه تفسیری؛ اتصال سطح تشریعی با سطح تکوینی جهان. ائمه (ع) با این روش نشان داده‌اند که «اسلام ظاهری هم در امتداد همان اسلام تکوینی است»، زیرا هر دو از سنخ تسلیم در برابر اراده الهی‌اند، یکی آگاهانه و دیگری ناآگاهانه.

در روایتی دیگر، امام صادق (ع) هر دو واژه «کره» و «طوع» را تبیین می‌فرماید: «بعضی گروه‌ها برای مسلمان شدن مجبور می‌شوند و بعضی گروه‌ها از روی اختیار مسلمان می‌شوند» (حویزی، ۱۴۱۵ق؛ ۳۶۱/۱؛ برازش، ۱۳۹۴ش؛ ۶۶۸/۲). امام با این بیان، مفهوم دوگانه آیه را هم در حوزه تشریع (رفتار انسانی) و هم در حوزه تکوین (ساختار خلقت) نشان می‌دهد. این روایت حلقه ارتباطی میان معنای لغوی و تفسیری «طوع و کره» محسوب می‌شود. امام (ع) با تکیه بر معنای لغوی و با استفاده از الگوی تقابل، تفسیر تشریعی آیه را نیز روشن می‌سازند: «طوع» یعنی تسلیم بر پایه شوق و معرفت (فراهِیدی، بی‌تا: ۲۰۹/۲). «کره» یعنی تسلیم بر اثر قهر، غلبه یا اضطراب (طریحی، ۱۳۷۲ش؛ ۳۵۸/۶). از این رو، روایت، میان دو سطح از اسلام تمایز

می‌گذارد: تسلیم ارادی و آگاهانه (مرتبط با ایمان و اختیار انسان). تسلیم غیرارادی (مرتبط با قوانین تکوینی) که با روش تمثیل بیان شده است.

طبرسی دو لایه معنایی برای آیه بیان می‌دارد: تفسیر تکوینی (همه مخلوقات به سنت خلقت، تسلیم امر الهی‌اند) و تفسیر تشریعی (انسان‌ها یا از روی ایمان یا از روی ترس، در برابر ظهور قدرت الهی تسلیم می‌شوند). او این دو را در تضاد نمی‌بیند؛ بلکه مرحله نخست (تکوینی) را پایه دومی (تشریعی) می‌داند. با این استدلال که ساختار آیه شامل هر دو واژه «طوع» و «کره» است که از نظر ادبی قرینه بر مراتب مختلف تسلیم است، نه نوع واحد آن (طبرسی ۱۳۷۲ش: ۷۸۷/۲).

علامه طباطبایی، تسلیم در این آیه را «تسلیم تکوینی همه موجودات در برابر اراده الهی» می‌داند و تعبیر «طوعاً و کرهاً» را به تفاوت آمادگی‌های وجودی موجودات نسبت می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۱۹/۳). از نگاه او، هر موجودی به اقتضای مرتبه وجودی خود، خواه از روی عشق و خواه از روی ضرورت، تحت نظام حکیمانه الهی است. علامه روایت امام صادق (ع) را شاهدی «بیانی» می‌داند که از سطح تشریعی برای تقریب معنای تکوینی بهره برده است؛ یعنی مقصود امام بیان مصداق محسوس برای تمثیل است، نه حصر معنا در اجبار ظاهری.

بانو امین، مفهوم اسلام را به اطاعت تکوینی همه عوالم از اوامر خداوند تعبیر می‌کند: انسان، حیوان، نبات و حتی جماد، خواه ناخواه مطیع فرمان‌های آفرینشی پروردگارند (بانو امین، ۱۳۶۱ش: ۳۱۷۳). این برداشت، بر وحدت وجودی نظام هستی و فراگیری شعور ذاتی مخلوقات تأکید دارد، شعوری که در آیه ۱۸ سورة حج («أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ...») نیز تصریح شده است.

مکارم، ترکیبی از دو دیدگاه را ارائه می‌کند: اسلام در اینجا، اسلام عام و فراگیر است؛ همه هستی در برابر او تسلیم‌اند، ولی انسان دو نوع تسلیم دارد: آگاهانه و ناآگاهانه. او معتقد است که تعبیر «کرها» برای کسانی است که از روی کبر در برابر دستورهای اخلاقی و تشریعی خدا سرپیچی می‌کنند، اما در نهایت در نظام علی و معلولی جهان محکوم به همان اراده الهی هستند (مکارم، ۱۳۷۱ ش: ۶۴۳/۲). در واقع، به گفته او آیه در پی اثبات این است که هیچ موجودی از قلمرو اراده خدا خارج نیست؛ حتی انکار خدا نیز در نظام اراده او واقع می‌شود.

در پرتو این دو روایت، می‌توان دریافت که روش امامان (ع) در تفسیر آیات هستی‌شناختی، آمیزه‌ای از تبیین لغوی، استدلال عقلی و تمثیل انسانی است. به‌کارگیری مفاهیمی چون «ترس از شمشیر» یا «اختیار و اجبار در اسلام آوردن»، در حقیقت تلاشی برای نزدیک‌سازی مفاهیم تکوینی به ادراک انسانی است. این روش، از یک‌سو انسان را در فهم مناسبات درونی عالم یاری می‌کند و از سوی دیگر نشان می‌دهد که درک تسلیم موجودات در برابر خدا، تنها با نگرش عقلانی ممکن نیست، بلکه نیازمند تمثیل و شهود معنوی است. تسلیم تکوینی و تسلیم ارادی، دو جلوه از یک حقیقت‌اند: شمول اراده الهی بر همه مراتب هستی. بدین ترتیب، آیه نه تنها وحدت نظام آفرینش را در برابر مشیت الهی اثبات می‌کند، بلکه پیوستگی میان عقل، اختیار و نظام تکوینی را نیز آشکار می‌سازد. این پیوستگی، وجه مشترک همه تفاسیر و روایات یادشده است.

نکته درخشان در این روایات و تفاسیر، آن است که مثال‌هایی که ائمه (ع) برای تبیین مفاهیم تکوینی به‌کار می‌برند، غالباً با تشبیه تکوینیات به انسان و حالات او (مانند ترس) همراه است. این رویکرد، دلالت بر یگانگی و پیوستگی همه مخلوقات، اعم از ذوی‌العقول و غیرذوی‌العقول، در مقام تسلیم در برابر خالق دارد. بنابراین،

روایات و تفاسیر مذکور، ارتباط تنگاتنگ میان تسلیم تکوینی و اختیار انسانی را برجسته می‌سازند و نشان می‌دهند که چگونه تمام موجودات، در چهارچوب اراده الهی، نقش خود را ایفا می‌کنند.

۳-۴. بیان علت

روایاتی که علت صدور حکم یا حکمت اتفاقات مطرح در آیه را بیان کرده و علت حکم به شبهاتی را که برای آیه عارض شده پاسخ می‌دهند (قمرزاده، ۱۴۰۲ش: ۴۰). مانند نمونه زیر:

۳-۴-۱. علت اعطای مقام به آسمان

آیه شریفه «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: ۲)، به یکی از شگفتی‌های خلقت، یعنی برپایی آسمان‌ها بدون ستون‌های مرئی اشاره دارد. امیرالمؤمنین (ع) برای تبیین و تأکید بر این واژه کلیدی «بغیر عمد»، از عبارت «بِلَا سَنَدٍ» (بدون تکیه‌گاه) استفاده می‌کند. این تعبیر، علاوه بر معرفی آن به عنوان شاهی بر عظمت آفرینش الهی، به نکته علمی نهفته در آن نیز اشاره دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۵/۵۵؛ برازش، ۱۳۹۴ش: ۱۳/۴۹۶). حضرت در ادامه، علت عزت یافتن آسمان را در اطاعت از فرمان الهی بیان می‌دارند: «خداوند آن‌ها را به اطاعت خویش فراخواند و آن‌ها مطیع و با اقرار، بدون درنگ و تأخیر پاسخ دادند و اگر اقرار آسمان‌ها به ربوبیت و اعتراف به فرمانبرداری او نبود، خداوند آسمان را محلّ عرش خویش و جایگاه فرشتگان و محلّ بالا رفتن گفتار نیکو و کردار شایسته بندگان قرار نمی‌داد» (همان منابع).

در این بیان نورانی، «وطد» به معنای ثبات و استوار کردن (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ۴۷۹/۱)، «سند» به معنای تکیه‌گاه (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۲۱/۳)، «عمد» به معنای ستون و آنچه به آن تکیه می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۸۵)، به کار رفته‌اند. بدین ترتیب، امیرالمؤمنین (ع) با استناد به فرازهایی از آیات «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا» (رعد: ۲) و «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت: ۱۱)، هم به نکته علمی بدون ستون بودن آسمان‌ها و هم به اطاعت فرمان الهی از طرف آسمان و زمین اشاره می‌کنند. علاوه بر این، حضرت (ع) علت شرافت و قرارگرفتن آسمان‌ها را به عنوان مقرّ عرش، محل سکونت فرشتگان و جایگاه عروج اعمال صالح، در همین اطاعت محض از فرمان خداوند می‌داند. این رویکرد، تبیین جامعی از رابطه میان حقایق علمی، معارف الهی و آثار معنوی ارائه می‌دهد.

در تأیید و تکمیل این دیدگاه، روایتی دیگر از ایشان نقل شده که می‌فرمایند: «این ستارگان آسمانی، شهرهایی همچون شهرهای روی زمین هستند که هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره‌ای با ستاره دیگر) با ستونی از نور به هم مربوطند» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲۱۹/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۱/۵۵؛ بحرانی، ۱۴۱۴ق: ۴۵۹۱). این روایت به روشنی از وجود ستون‌های نامرئی یا «ستون‌هایی از نور» سخن می‌گوید. امام (ع) برای درک مردم زمان خود که تصویری ناچیز از کیهان‌شناسی داشتند، بغیر عمد را با ستون‌هایی از نور به تصویر کشیده‌اند که در واقع نیروی جاذبه را تعبیر به نور کرده‌اند. چنان‌که مکارم شیرازی این تعبیر را «زیباترین کلام ادبی در آن روزگار برای ذکر امواج جاذبه و تعادل آن با نیروی دافعه» می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۱۱/۱۰-۱۱۲). وی معتقد است که آیه قرآن پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول، بر کسی آشکار نبوده‌است؛ چراکه طبق باور مردم آن زمان و هیأت

بطلمیوس، آسمان‌ها به صورت کراتی تودرتو تصور می‌شدند و هیچ‌کدام معلق و بی‌ستون نبودند. این درحالی‌است که هزار سال پس از نزول آیات، علم بشر به این نکته دست‌یافت که کرات آسمانی هر کدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابتند، بی‌آنکه تکیه‌گاهی مرئی داشته‌باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: همان).

بنابراین، بی‌ستون بودن سیارات در آسمان و وجود نیروهای جاذبه و دافعه، از نکات علمی است که هم آیات قرآن، هم تفاسیر و هم روایات اهل بیت (ع) به آن اشاره کرده‌اند. روایت پیش‌گفته از امیرالمؤمنین (ع) در ضمن تبیین نکات علمی، بر اطاعت از فرمان الهی و آثار دنیوی و اخروی آن نیز تأکید دارد و بدین وسیله پیوندی عمیق میان علم، ایمان و عمل برقرار می‌سازد.

۳-۵. تطبیق

تطبیق به معنای مصداقی از مصادیق یک واژه یا تطبیق عام یا خاص مفهوم ظاهری آیه بر افراد یا شرایط مشابه مذکور در آیه است (قمرزاده، ۱۴۰۲ش: ۳۸).

۳-۵-۱. تطبیق نور خورشید و ماه

آیه شریفه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (یونس: ۵)، یکی از آیات درخشان قرآن کریم است که به تمایز میان نور خورشید و ماه اشاره دارد. این تمایز نه تنها از جنبه علمی حائز اهمیت است، بلکه در روایات اهل بیت (ع) تفسیری عمیق‌تر و تطبیقی نیز یافته‌است.

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «زمین به نور محمد (ص) روشن شد، همان‌گونه که با نور خورشید روشن می‌گردد. خداوند محمد (ص) را به خورشید، و

وصی او را به ماه مثال زده است و این همان سخن خداوند عزوجل است که فرمود: «جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۷۹/۸؛ برازش، ۱۳۹۴: ۴۲۲/۶).

این روایت به وضوح، نقش و جایگاه پیامبر اکرم (ص) و وصی ایشان را تبیین می‌کند. نکته کلیدی در این تطبیق، تمایز معنایی میان دو واژه «ضیاء» و «نور» است:

ضیاء جمع «ضوء» به معنای کثرت و شدت نور است (ابن معصومه مدنی، ۱۴۲۶ق: ۱۳۱/۱). در اصطلاح علمی و قرآنی، «ضیاء» به نوری گفته می‌شود که منبع آن خود شیء است، همانند خورشید که نورش از خودش سرچشمه می‌گیرد.

نور به روشنایی‌ای اطلاق می‌شود که از منبع دیگری کسب می‌شود، مانند نور ماه که از انعکاس نور خورشید به دست می‌آید (طریحی، ۱۳۷۲ش: ۲۷۲/۱).

همان‌طور که دانشمندان علوم طبیعی اثبات کرده‌اند، ماه نور خود را از خورشید دریافت می‌کند و پس از غروب خورشید، زمان طلوع ماه فرا می‌رسد. هرچند ممکن است که خورشید و ماه در زمان واحدی در آسمان حضور داشته باشند، اما ماه در حضور خورشید تالایی ندارد و نور خود را به طور کامل نمایان نمی‌کند.

این حقیقت علمی، وجه شبه دقیق و زیبایی را برای تطبیق امام باقر (ع) فراهم می‌آورد:

خورشید که منبع اصلی نور و گرما است و حیات زمین به آن وابسته است، وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) نیز سرچشمه اصلی علم، هدایت و تربیت است. وصی پیامبر (ع)، همانند ماه، نور علم و هدایت خود را از سرچشمه خورشید نبوی دریافت می‌کند. ایشان تربیت یافته مکتب نبوی هستند و علم را از آن بزرگوار فرا گرفته‌اند. تا زمانی که پیامبر (ص) در قید حیات باشند و اذن نفرمایند، وصی مسئولیت علنی خویش را آغاز نمی‌کند، همانند ماه که در حضور خورشید جلوه کامل ندارد.

این تطبیق به زیبایی بیانگر آن است که علم ائمه (ع) از علم پیامبر (ص) نشأت گرفته و هرچند مستقل نیست، اما به معنای تابعیت و انعکاس نور علم نبوی است. امام باقر (ع) در روایتی دیگر نیز بر این تطبیق تأکید می‌ورزند: «زمین با نور محمد (ع) روشن شد، همان‌طور که با نور آفتاب روشن می‌گردد، خداوند محمد را به خورشید و جانشین او را به ماه تشبیه کرده است و این همان معنای گفتار خداوند است که فرمود: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۲۴؛ برازش، ۱۳۹۴: ۴۲۲/۶).

در مقایسه با تفاسیر لغوی، مفسرانی چون طبری (۱۴۱۲: ۶۱/۱۱)، «ضیاء» را همان «ضوء» به معنای نور خورشید و «نور» را «إنار» معنا کرده‌اند. هم‌چنین طبرسی (۱۳۷۲: ۲۵۹/۱۱)، «ضیاء» را در کشف تاریکی قوی‌تر از «نور» دانسته است. این تفاسیر عمدتاً به معنای ظاهری واژگان پرداخته‌اند، اما روایات معصومان (ع) با بهره‌گیری از تمثیل و تطبیق، علاوه بر روشن ساختن جنبه علمی آیه، به تبیین جایگاه نبی و وصی او نیز پرداخته‌اند که احتمالاً با توجه به مخاطب، هدف از آن شناساندن این جایگاه رفیع بوده است. این روش، ژرفای معنایی آیات را با رویکردی معرفتی و تربیتی در هم می‌آمیزد.

۳-۶. اصطلاح‌سازی

در برخی موارد معصوم (ع) با توجه به اشارات قرآنی به ذکر انواع و یا ایجاد اصطلاح می‌پردازند در این نوع از روایت واژه معناشناسی نمی‌شود بلکه با برداشت کلی از فحوای آیه و یا آیات اصطلاح‌سازی می‌شود. مانند روایت زیر؛

در منظومه معرفتی اسلام، وحی تنها به معنای ارتباط تشریعی با پیامبران الهی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری از تدبیر الهی در هستی را دربرمی‌گیرد. امیرالمؤمنین علی (ع) در تبیین انواع وحی در قرآن، به گونه‌ای تأمل برانگیز، اصطلاح «وحی تقدیر» را مطرح می‌سازند. ایشان در روایتی جامع، ضمن برشمردن اقسام گوناگون وحی از جمله وحی نبوت، الهام، اشاره، امر و فرمان، دروغین، خبر، رسالت و «وحی تقدیر» را با استناد به آیات ۱۲ و ۱۰ سورة فصلت «وَأَوْحِي فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا» و «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا» توضیح می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۹۰؛ برازش، ۱۳۹۴: ۱۳/۴۹۲).^۱

این توضیح حضرت، پرده از نگاهی ژرف به نظم کیهانی برمی‌دارد. امیرالمؤمنین (ع) با کنارهم قرار دادن دو واژه از دو آیه، اصطلاح وحی تقدیر را بیان داشته‌است. حضرت (ع) با آوردن آیه ۱۲ قبل از آیه ۱۰ به غیر از این که معنای آن را واضح تر می‌کنند، یکی از راه‌های تفسیر قرآن را نیز آموزش می‌دهند. وحی تقدیر در این بافت، اشاره به دو مفهوم کلیدی دارد که با هم در آیات سورة فصلت آمده‌اند: ۱. «وَأَوْحِي فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا»، این به معنای ابلاغ فرمان الهی به هر لایه از آفرینش برای انجام وظیفه‌اش است ۲. «وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا» (و روزی‌ها/امکانات آن را اندازه‌گیری و مقدر نمود): این بخش به تنظیم دقیق منابع و امکانات برای هر جزء از هستی اشاره دارد. «اقوات» فراتر از روزی مادی است و شامل هر آنچه برای تحقق کارکرد آن جزء ضروری است (از قوانین فیزیکی تا منابع انرژی). بنابراین، وحی تقدیر یعنی خداوند، برای هر جزء از جهان (هر آسمان/کهکشان/سیاره)، یک «وظیفه» و یک «بسته منابع و امکانات متناسب» تعیین کرده است.

۱. «سَأَلُوهُ عَنْ لَفْظِ الْوَحْيِ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ مِنْهُ وَحْيُ النَّبُوَّةِ وَمِنْهُ وَحْيُ الْإِلَهَامِ وَمِنْهُ وَحْيُ الْإِشَارَةِ وَمِنْهُ وَحْيُ أَمْرِ وَمِنْهُ وَحْيُ كَذِبٍ وَمِنْهُ وَحْيُ تَقْدِيرٍ وَمِنْهُ وَحْيُ خَيْرٍ وَمِنْهُ وَحْيُ الرِّسَالَةِ... وَأَمَّا وَحْيُ التَّقْدِيرِ فَقَوْلُهُ تَعَالَى «وَأَوْحِي فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا (فصلت/۱۲) وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا (فصلت/۱۰)»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات، «امر الهی» را در آسمان‌ها به معنای خلقت و پدید آوردن حوادث تکوینی آن می‌داند که به وسیله ملائکه و طی کردن طرق آسمان‌ها به زمین می‌رسد، به این صورت که امر هر آسمان به ملائکه ساکن در آن وحی می‌شود (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۵۸/۱۷-۵۵۹). بر این اساس، وحی تقدیر ناظر به برنامه‌ریزی و اراده تکوینی خداوند در کل هستی است؛ به این معنا که هر آسمان، هر کهکشان و هر کُرّة سماوی، دارای مأموریت، کارکرد و «اقوات» (ارزاق یا منافع خاص) خود است که از سوی خالق حکیم مقدر و مقرر شده‌است.

«تقدیر اقوات» برای هر آسمان، مفهومی بسیار عمیق‌تر از معنای لغوی صرف «روزی» دارد. چنان‌که مغنیه اشاره می‌کند، این تعبیر به معنای پربرکت قرار دادن زمین با نعمت‌های ارزشمند (مانند گیاهان، معادن و نفت) و تنظیم دقیق منافع آن به اندازه نیاز موجودات است، حتی اگر بسیار گسترده باشند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۴۷۸/۶). این بیان قرآنی و روایی، نظام بی‌بدیل و هماهنگ حاکم بر جهان را به تصویر می‌کشد که در آن هر جزء، وظیفه‌ای مشخص و منابعی متناسب با آن وظیفه دارد. این مفهوم هم‌چنین با تعبیرات لغوی «طوق» به معنای توانایی و قدرت، «عمد» به معنای ستون و تکیه‌گاه، و «سند» به معنای اعتماد و پشتیبان، در متون لغوی (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)، هم‌خوانی دارد و بر مفهوم پایداری و نظام‌مندی کیهان تأکید می‌کند.

برای فهم بهتر «وحی تقدیر» و چگونگی جریان آن در هستی، می‌توان به روایتی از ابن عباس استناد کرد که در آن بیان شده‌است: «خداوند به آسمان فرمود: خورشید و ماه و ستارگان را برآور، و به زمین فرمود: نهرهای را بشکاف و میوه‌های را برآور؛ پس آن دو گفتند: ما از روی اطاعت می‌آییم و شکل می‌گیریم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

۲۱۲/۵۴؛ برازش، ۱۳۹۴ش: ۵۰/۱۳). این روایت به‌وضوح «اطاعت تکوینی» موجودات عالم را از فرمان الهی نشان می‌دهد. هنگامی که خداوند به پدیده‌ای فرمان «کن» می‌دهد، آن پدیده بدون هیچ اراده مخالفی «فیکون» می‌شود. این مفهوم، جوهر اصلی وحی تقدیر را آشکار می‌سازد؛ تمام سیارات و اجزای هستی، هر یک در مدار و کارکرد خود، در حال اجرای فرمان تکوینی الهی و رسیدن به بهره‌وری مقدر خویش هستند. آیه ۱۱ سورة فصلت، که به تسلیم آسمان و زمین «خواسته یا ناخواسته» (طَوْعًا أَوْ كَرْهًا) اشاره دارد، این اطاعت بی‌چون و چرا را تأیید می‌کند.

اگر «آسمان» را به‌معنای یک کهکشان، یک منظومه شمسی یا حتی یک سیاره در نظر بگیریم، هرکدام دارای مجموعه‌ای از ثابت‌های فیزیکی و شیمیایی خاص هستند که منابع (اقوات) لازم برای تعادل و عملکرد آن را فراهم می‌آورند. وجود ثابت‌های فیزیکی با مقادیر بسیار دقیق (Fine-Tuning) که برای پدیدآمدن حیات یا حتی پایداری ستارگان ضروری است، نمونه‌ای از «تقدیر اقوات» در سطح کیهانی است. هر گونه انحراف جزئی در این تقدیر (مثلاً در ثابت گرانش یا جرم الکترون)، کل ساختار جهان را از هم می‌پاشید.

از منظر تحلیل علمی، این «اطاعت تکوینی» را می‌توان به‌منزله پایبندی اجزای کیهان به قوانین بنیادین فیزیک و طبیعت تفسیر کرد. گرانش، نیروی هسته‌ای قوی و ضعیف و الکترومغناطیس، چهار نیروی اصلی طبیعت هستند که تعاملات ماده و انرژی را در کیهان شکل می‌دهند. مدارات دقیق سیارات، پایداری ستارگان، تشکیل کهکشان‌ها و توزیع عناصر در کیهان، همگی بر اساس این قوانین عمل می‌کنند. این قوانین، خود به‌منزله «وامر الهی» هستند که بر تمامی اجزای هستی حاکمند و کائنات را مجبور به اطاعت از آن‌ها می‌کنند. بنابراین، «وحی تقدیر» را می‌توان همان برنامه‌ریزی

جامع الهی برای خلقت و اداره هستی دانست که در قالب قوانین فیزیکی و شیمیایی نمود یافته و منجر به پدیدآمدن نظمی بی‌بدیل و خودگردان در عالم شده است.

بیان امیرالمؤمنین (ع) درباره «تقدیر قوت هر آسمان»، نه تنها یک بینش کلامی، بلکه اشاره‌ای عمیق به حقایق علمی است که با پیشرفت دانش بشری، اهمیت بیشتری می‌یابد. حضرت (ع) با این کلام، به نکاتی کلیدی اشاره دارند که امروزه با یافته‌های کیهان‌شناسی و اخترفیزیک همخوانی‌های شگفت‌انگیزی دارد؛ هر «آسمان» (که می‌توان آن را به کهکشان‌ها، منظومه‌های شمسی یا کرات سماوی تعبیر کرد) دارای کارکردها و فواید منحصر به فردی است که برای بقا و تعادل کلی عالم ضروری است. این کارکردها نیازمند «تقدیرات الهی» است که شامل تنظیم دقیق قوانین فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی برای هر جرم آسمانی می‌شود. برای مثال، منظومه شمسی ما، با موقعیت منحصر به فرد زمین و وجود سیارات دیگر (به‌ویژه مشتری که نقش محافظتی ایفا می‌کند)، شرایط لازم برای حیات را فراهم آورده است.

این «اقوات» می‌تواند به معنای مواد ضروری برای حیات ساکنان احتمالی یک سیاره، یا حتی عناصر و نیروهای لازم برای حفظ تعادل گرانشی و عملکرد صحیح آن در منظومه خود باشد. دانش امروز، تنها به بخش کوچکی از این کارکردها دست یافته است، اما کشفیات پیوسته در اخترفیزیک و کیهان‌شناسی، به تدریج پرده از ابعاد پیچیده این نظم الهی برمی‌دارد.

همان‌طور که با پیشرفت علم قطعی و کشفیات جدیدتر یقینی، آیات الهی و روایات معصومان (ع) بهتر درک می‌شوند، بیان «وحی تقدیر» به دست امیرالمؤمنین (ع) یک نمونه برجسته از این تطابق است. این روایات، نه تنها با دانش روزگار خود هم‌خوانی

داشته‌اند، بلکه حاوی اشاراتی به حقایق کیهانی هستند که تنها قرن‌ها بعد با علم تجربی کشف شده‌اند، که خود نشانه‌ای از دانش لدنی و فرازمانی اهل بیت (ع) است. بنابراین، «وحی تقدیر» یعنی وحی به‌اندازه و حدود دقیق سامانه هستی. این مفهوم با نگاه فلسفی به نظام احسن سازگار است که هر موجودی به‌اندازه ظرفیتش از کمالات و امکانات بهره‌مند است. وحی تقدیر، پل معرفتی میان اراده خالق و ساختار منظم مخلوق است، نظامی که در آن، هر جزء از کیهان، هم مأموریت مشخصی دارد (امر) و هم منابع دقیق و متناسب با آن مأموریت (تقدیر اقوات) را دریافت کرده‌است. این تبیین، اوج دقت در اداره هستی و دانش فرازمانی ائمه اطهار (ع) را به‌نمایش می‌گذارد.

۴. نتیجه

۱. روش‌شناسی تفسیری معصومان (ع): جامعیت، بلاغت و تطبیق با مخاطب؛ این مقاله نشان می‌دهد که معصومان (ع) در مواجهه با آیات کیهانی، با بهره‌مندی از یک روش‌شناسی تفسیری بسیار غنی و هدفمند، مفاهیم علمی پیچیده را با حفظ عمق وحی الهی به عموم مردم انتقال داده‌اند. معصومان (ع) از نهایت بلاغت و حکمت برای تبدیل مفاهیم پیچیده نجومی به زبانی قابل فهم استفاده کرده‌اند. ابزارهای کلیدی این کار شامل: زبان تمثیلی و داستانی، تصویرسازی، اصطلاح‌سازی و بیان علت بوده‌است. این امر اوج توانایی را در عجزین ساختن دانش روز با وحی الهی نشان می‌دهد.

در این رویکرد جامع و عقلی، تبیین آیات صرفاً بر پایه نص صورت نگرفته، بلکه در موارد متعددی با استمداد از آیات دیگر قرآن و استدلالات عقلی همراه بوده‌است. مثال‌هایی چون تفسیر ستارگان، بروج، سجده تکوینی خورشید، یا مفهوم کمبود اکسیژن در فضا، نشان‌دهنده این رویکرد چندوجهی است. استفاده از تطبیق و مثال‌های

ملموس برای تسهیل درک مطالب کیهان‌شناسانه، نیز از دیگر یافته‌های این مقاله است، مانند تطبیق نور خورشید و ماه با حیطة علمی و تکلیفی پیامبر (ص) و وصی او، یا اصطلاح وحی تقدیر برای تبیین نظم آسمان‌ها.

۲. عمق علمی و پیش‌بینی (جامعیت دین و علم): یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق، تأکید بر عدم تعارض آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی و فراتر از آن، کشف جنبه‌های پیشگویانه علمی در روایات معصومان (ع) است. این تحقیق به شواهدی دست یافته است که نشان‌می‌دهد اشارات علمی در بعضی از روایات، از کشف‌های دانشمندان در زمان‌های بعدی فراتر بوده‌است. این واقعیت می‌تواند نه تنها موجب توجه دانشمندان مسلمان به این روایات شود، بلکه به شناخت برون‌مذهبی جایگاه علمی معصومان (ع) نیز کمک کند. این روایات نشان‌دهنده یک حقیقت بنیادی است: هر چه دانش بشری پیشرفت‌کند، یافته‌های علمی همواره تأییدی بر حقایق بیان شده در وحی الهی خواهندبود. معصومان (ع) از زبان نمادین، مشاهدات تجربی و حقایقی که در آینده کشف می‌شود، برای بیان این امور استفاده کرده‌اند. نتیجه‌گیری اصلی این است که آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی نه تنها در تضاد نیستند، بلکه مکمل یکدیگر برای فهم بهتر جهان و جایگاه انسان در آن هستند.

۳. آثار و چشم‌انداز آینده تفسیر علمی قرآن: نتایج این نوشتار، بر فهم عمومی از آیات کیهانی تأثیر دارد و هم‌چنین راه را برای پایه‌ریزی تفسیری نوین هموار می‌کند. در مجموع، بیانات معصومان (ع) مصداق بارزی از یک تفسیر علمی عمیق و روایی قرآن است که مفاهیم الهیاتی را با دانش کیهان‌شناسی پیوند می‌زند. این رویکرد، جامعیت دین اسلام و هماهنگی آن با عقل و علم را اثبات می‌کند. بنابر هر آنچه گفته شد، این پژوهش با یکپارچه‌سازی روش‌های تفسیری، بلاغت و عمق علمی روایات،

نتیجه می‌گیرد که معصومان (ع) نه تنها به توضیح واژگان اکتفا نکرده‌اند، بلکه با استفاده از روش‌های تطبیقی و عقلی و تمثیلی، پلی مستحکم میان نص دینی و واقعیت‌های علمی ایجاد کرده‌اند. این میراث تفسیری، نه تنها قابلیت رمزگشایی را از حقایق علمی پیشرفته دارد، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی برای توسعه تفسیر علمی قرآن در عصر حاضر به کار رود و هماهنگی کامل میان حکمت الهی و دانش بشری را اثبات کند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابراهیم انیس، ابراهیم، منتصر، عبدالحلیم، صوالحی، عطیه و خلف احمد، محمد. (۱۳۹۲ش)،

فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم: محمد بندریگی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامی.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، المناقب آل ابی طالب، چاپ اول، قم: علامه.

ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: هارون عبدالسلام محمد،

چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.

ابن منظور، ابوالفضل و جمال الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت:

دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.

الأزهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، چاپ اول، بیروت، لبنان: دارالاحیاء التراث العربی.

اسمارت، و. م، (۱۴۰۱ش)، نجوم کروی، مترجم: داود محمدزاده جسور، چاپ دهم، تهران:

مرکز نشر دانشگاهی.

امین، سیده نصرت، (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت واحد

تحقیقات اسلامی، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.

۱۸۰ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال دوازدهم، جلد اول، شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴

بخاری قنوجی، أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسینی، (۱۴۲۳ق)،
أبجد العلوم، چاپ اول، بی جا: دار ابن حزم.

برازش، علی رضا، (۱۳۹۴ش)، تفسیر اهل بیت (ع)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح اللغة، بیروت، لبنان: دار العلم للملایین.

حسین، عبدالنعیم محمد، (۱۴۰۸ق)، قاموس الفارسیه، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب (مکتبه
اعتماد الکاظمی).

حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.

خوارزمی زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد، (۱۳۸۶ش)، مقدمه الأدب، چاپ اول،
تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغتنامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، چاپ
دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ذهبی، محمد حسین، (بی تا)، التفسیر و المفسرون، مصر، مکتبه وهبه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق، داوودی صفوان
عدنان، چاپ اول، بیروت، دارالشامیه.

رستم نژاد، مهدی، (۱۳۸۸ش)، «گونه شناسی روایات تفسیری»، حسنا، شماره ۱.

رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۵ش)، منطق تفسیر قرآن (۲) روش ها و گرایش های تفسیری
قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، (۱۴۰۷ق)، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، چاپ اول،
سعودی: مؤسسه الرساله.

زمانی قمشه ای، علی، (۱۳۸۷ش)، هیأت و نجوم اسلامی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

ساروخانی، باقر، (۱۳۹۳ش)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ هشتم، تهران: پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تحلیل روش معصومان (ع) در تبیین واژه‌ها و مفاهیم آیات کیهانی قرآن/غضنفری ۱۸۱

سبزوارى نجفى، محمدبن حبيب‌الله، (۱۴۰۶ق)، الجديد فى تفسيرالقرآن المجيد، چاپ اول، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.

سجادی، جعفر، (۱۳۷۹ش)، فرهنگ اصطلاحات فلسفى ملاصدرا، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، سازمان چاپ و انتشارات.

سيوطى، جلال‌الدين، (۱۴۱۶ق)، الإتيقان فى علوم القرآن، تحقيق: سعيد المندوب، چاپ اول، لبنان: دارالفكر.

صدرالدين شيرازى، محمدبن ابراهيم (ملاصدرا)، (۱۴۱۰ق)، محشى محمدحسين طباطبايى، الحكمة المتعاليه فى الاسفار العمليه الاربعه، چاپ سوم، بيروت: دارإحياء التراث العربى.

طباطبايى، محمدحسين، (۱۳۷۴ش)، الميزان، مترجم موسى همدانى، چاپ پنجم، قم: دفترانتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

طبرسى، فضل‌بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع‌البیان فى تفسيرالقرآن، مقدمه: جواد بلاغى، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.

طبرسى، احمدبن على، (۱۴۰۳ق)، احتجاج على اهل اللجاج، تحقيق محمدباقرخرسان، چاپ اول، مشهد: نشرمرتضى.

طبرى، ابوجعفرمحمدبن حرير، (۱۴۱۲ق)، جامع‌البیان فى تفسيرالقرآن، چاپ اول، بيروت: دارالمعرفة. طريحي، فخرالدين محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع‌البحرين و مطلع النيرين، تحقيق: احمد، حسيني اشكورى، تهران: مرتضوى.

طنطاوى، سيد محمد، (۱۳۴۱ق)، تفسيرالوسيط للقران الكريم، قاهره: دارالمعارف قاهره.

عسكرى (ابوهلال عسكرى)، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق اللغة، چاپ اول، بيروت: دارالعلم. علايى، حسين و رضىي، محسن رضا، (۱۳۹۰ش)، «شگفتى‌هاى اعجازهاى پزشكى درقرآن»،

قرآن و علم، شماره ۸.

عميد، حسن، (۱۳۵۷ش)، فرهنگ عميد، تهران: امير كبير.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم، رسول محلاتی، چاپ اول، تهران: المطبعة العلمية.

غضنفری، علی، (۱۴۰۰ش)، اصول، مبانی، مناهج و شیوه‌های تفسیر قرآن کریم، چاپ اول، قم: نویسنده. فراهیدی، خلیل بن احمد، (بی تا)، العین، قم: هجرت.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، (۱۴۲۶ق)، قاموس المحيط، بیروت: مؤسسة الرسالة. فیومی احمد بن محمد مقری، (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ اول، قم: منشورات دار الرضی.

قمرزاده، محسن، (۱۴۰۲ش)، کارکرد روایات در تفسیر قرآن بر پایه تحلیل کمی، قم: مرکز فقهی ائمة اطهار.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دار الكتاب. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: (طبع الإسلامية). مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی. مسترحمی، سید عیسی، (۱۳۹۷ش)، تفسیر آیات نجومی با تأکید بر پاسخ به شبهات، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸ش)، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ و نشر بین الملل.

مصطفوی میرزا حسن، (۱۳۷۵ش)، تحقیق فی الکلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معارف، مجید و اجاقلو، ابوالقاسم، (۱۳۸۵ش)، «گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان (ع)»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۹.

معصوم حسینی، سید علی بن احمد بن محمد (ابن معصومه مدنی)، (۱۴۲۶ق)، طراز الأول و اکناز لما علیه من لغة العرب المعول، چاپ اول، مشهد: مؤسسة آل بیت لإحياء التراث.

تحلیل روش معصومان (ع) در تبیین واژه‌ها و مفاهیم آیات کیهانی قرآن/غضنفری

۱۸۳

معین، محمد، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ معین، گردآورنده: عزیزالله علیزاده، چاپ چهارم، تهران: آدنا.

مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مفید، محمدین محمد، (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، محقق علی اکبر، غفاری و محمود، محمدی

زرنودی، چاپ اول، قم: مؤتمرالعالمی لألفیه الشیخ الفید.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مهدوی راد، محمدعلی و حسینی کوهی، فهیمه، (۱۳۹۱ش)، «روش شناسی معصومان (ع)

در تفسیر لغوی قرآن کریم»، حدیث/نمایشه، ۲۴، شماره ۱۳.

نقیسی، علی اکبر، (۱۳۵۵ش)، ناظم الأطباء (فرهنگ نفیسی)، بی جا: کتابفروشی خیام.

هویل، فرد، (۱۳۳۹ش)، مرزهای نجوم، ترجمه رضا اقصی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Carroll, Bradley W. & Ostlie, Dale A. (2007), An Introduction to Modern Astrophysics, Pearson

Hubble, E. (1929). "A relation between distance and radial velocity among extra-galactic nebulae", Proceedings of the National Academy of Sciences, Vol. 15, pp.168-173.

Bibliography

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

Ibrahim Anis and Abdul Halim Muntasir, Atiyeh Sawalhi and Muhammad Khalaf Ahmad, (1392 SH) Farhang al-Mu'jam al-Wasit, translated by Muhammad Bandar-Rigi, fourth edition, Tehran, Islamic Publications. [in Arabic]

Ibn Shahr-Ashhub Mazandarani, Muhammad ibn Ali (1379 AH), Al-Manaqib Al-Abi Talib, Qom, first edition, Allamah. [in Arabic]

Ibn Faris, Ahmad ibn Faris, (1404 AH), Mu'jam al-Maqays al-Lughah, verified by Harun Abdul Salam Muhammad, first edition, Qom, Islamic Information School. [in Arabic]

Ibn Manzur, Abul Fadl, Jamal al-Din, Muhammad ibn Makram, (1414 AH), Lisan al-Arab, third edition, Beirut, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic]

- Al-Azhari, Muhammad ibn Ahmad, (1421 AH), Tahdhib al-Lughah, first edition, Beirut, Lebanon, Dar al-Ehya al-Torath al-Arabi. [in Arabic]
- Amin, Sayyidah Nusrat, (1361SH) Makhzan al-Irfan in Tafsir al-Quran, Tehran, Nahdat Zaman al-Muslimin. [in Arabic]
- Bahrani, Sayyid Hashim ibn Sulayman, (1415 AH), Al-Burhan fi Tafsir al-Quran, research: Be'at Foundation, Islamic Research Unit, first edition, Qom, Al-Be'at Institute. [in Arabic]
- Bukhari Qannuji, Abu al-Tayyib Muhammad Siddiq Khan ibn Hassan ibn Ali ibn Lutfullah al-Husseini, (1423 AH), Abjad al-Uloom, first edition, Bi Ja, Dar Ibn Hazm. [in Arabic]
- Barazesh, Ali Reza, (1394 AH) Tafsir Ahl al-Bayt , first edition, Tehran, Amir Kabir Publications. [in Persian]
- Jawhari, Ismail ibn Hammad, (1410 AH), Al-Sahah al-Lughah, Beirut, Lebanon, Dar al-Ilm lil-Malayyin. [in Arabic]
- Hassaneen, Abdul-Naeem Muhammad, (1408 AH), Qamus al-Farsiyyah, 1408 AH: Third edition, Beirut, Dar al-Kitab (Maktab Etemad al-Kazemi). [in Arabic]
- Hawizi, Abdul-Ali ibn Juma, (1415 AH), Nur al-Thaqalain, Qom, Ismailiyan. [in Arabic]
- Al-Khwarizmi Zamakhshari, Abu al-Qasim Mahmoud ibn Omar ibn Muhammad, (1386 SH), Muqaddama al-Adab, First edition, Tehran, Institute of Islamic Studies, University of Tehran. [in Arabic]
- Dehkhoda, Ali Akbar, (1377 SH), Dehkhoda Dictionary, under the supervision of Muhammad Moin and Seyyed Jafar Shahidi, Second edition, Tehran, Institute of Publications and Printing, University of Tehran. [in Persian]
- Dhahabi, Muhammad Hussein, (Bita) Al-Tafsir and Al-Mufasssirun, Egypt, Maktaba Wahba. [in Arabic]
- Raghib Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH) Mufradat Al-Afs Al-Quran, Takhikh, Davudi Safwan Adnan, First Edition, Beirut, Dar Al-Shamiyah. [in Arabic]
- Rustam Nejad, Mahdi, (1388 SH) "Typology of Explanatory Narratives", Hasna, No. 1. [Link]
- Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, (1385 SH) Logic of Interpretation of the Quran (2) Methods and Trends in Interpretation of the Quran, Qom, World Center for Islamic Sciences. [in Persian]
- Rumi, Fahd bin Abdul Rahman bin Sulayman, (1407 AH), Trends in Interpretation in the Fourteenth Century, First Edition, Saudi, Al-Risala Institute. [in Arabic]
- Zamani Qomshahi, Ali, (1387 SH), Islamic Astronomy and Astronomy, Ali, Imam Sadiq (AS) Institute. [in Persian]

- Sarukhani, Baqir, (1393 SH), Research Methods in Social Sciences, 8th edition, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Sabzevari Najafi, Muhammad ibn Habibullah, (1406AH), Al-Jadeed fi Tafsir al-Quran al-Majid, Beirut, Dar al-Ta'arif for Publications, first edition. [in Arabic]
- Sajjadi, Jafar, (1379 SH) Mulla Sadra's Dictionary of Philosophical Terms, first edition, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization. [in Persian]
- Suyuti, Jalal al-Din, (1416 AH), Mastery in the Sciences of the Quran, researched by Saeed al-Mandub, first edition, Lebanon, Dar al-Fikr. [in Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (Mullasadra), (1410 AH), Mahshi Muhammad Hussein Tabataba'i, Al-Hikmah al-Mutawaliyyah fi al-Asfar al-Amaliyyah al-Arba'ah, third edition, Dar al-Ihya' al-Turaht al-Arab. [in Arabic]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1374 SH), Al-Mizan, translated by Mousavi Hamedani, fifth edition, Qom, published by the Publishing Office of the Seminary of the Society of Teachers, Qom. [in Persian]
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan, (1372 SH), Majma' al-Bayan fi tafsir al-Quran, introduction: Javad Balaghi, third edition, Tehran, Nasser Khosrow. [in Arabic]
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali, (1403 AH) Ihtijaj ali ahl al-Lajaj, researched by Mohammad Baqir Kharasan, Mashhad, first edition, Murtada Publishing House. [in Arabic]
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Harir, (1412 AH), Jame' al-Bayan fi tafsir al-Quran, first edition, Beirut, Dar al-Marafah. [in Arabic]
- Turahi, Fakhr al-Din Muhammad, (1375 SH), Majma' al-Bayran wa'mta' al-Nayrin, researched by Ahmad, Hosseini Ashkvari, Tehran, Murtada Publishing House. [in Arabic]
- Tantawi, Sayyid Muhammad, (1341 AH) Tafsir al-Wasit al-Quran al-Karim, Cairo, Dar al-Ma'arif Cairo. [in Arabic]
- Askari, Hassan bin Abdullah, (Abu Hilal Askari), (1400 AH), Al-Furq al-Lughah, first edition, Beirut, Dar al-Ilm. [in Arabic]
- Ala'i, Hossein, Mohsen Reza Reza'i, (1390 SH), "The Wonders of Medical Miracles in the Quran" Quran and Science, No.8. [Link]
- Amid, Hassan, (1357 SH), Farhang al-Umid, Tehran, Amir Kabir. [in Persian]
- Ayyashi, Muhammad bin Mas'ud, (1380 AH) Tafsir al-Ayyashi, researched by Sayyid Hashim, Rasool Mahallati, Tehran, first edition, Al-Mutiya al-Ilmiya. [in Arabic]
- Ghazanfari, Ali, (1400 SH), Principles, Foundations, Methods and Methods of Interpreting the Holy Quran, first edition, Qom, author. [in Persian]
- Farahidi, Khalil bin Ahmed, (Bita) Al-Ain, Qom, Hijrat. [in Arabic]

- Firouzabadi, Majad al-Din Muhammad ibn Yaqoob, (1426 AH), Qamoos Al-Muhait, Beirut, Nashremussa Al-Risala. [in Arabic]
- Fayoumi Ahmed bin Muhammad Moqri, (), Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer by Al-Rafa'i, Dar al-Radi's Manifesto, Qom, first edition. [in Arabic]
- Qamarzadeh, Mohsen, (1402SH), The Function of Narratives in Qur'an Interpretation Based on Quantitative Analysis, Imams of Athar Jurisprudence Center, Qom. [in Arabic]
- Qommi, Ali Ibn Ibrahim, (1404 AH), Tafsir al-Qami, third edition, Qom, Dar al-Kitab. [in Arabic]
- Kalini, Mohammad Bin Yaqub, (1407 AH) Al-Kafi, 4th edition, Tehran, (Islamic Nature). [in Arabic]
- Majlisi, Muhammad Baqr ibn Muhammad Taqi, (1403 AH), Bihar al-Anwar, second edition, Beirut, Dara Hayya al-Turaht al-Arabi. [in Arabic]
- Mostarhami, Seyyed Isa, (1397 SH), Interpretation of Astronomical Verses with Emphasis on Answering Doubts, Qom, Supreme Leader's Representative Institution in Universities, Education Publishing House. [in Persian]
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi, (1378 SH), Teaching Philosophy, Tehran, Islamic Propaganda Organization, International Printing and Publishing. [in Arabic]
- Mostafavi Mirza Hassan, (1375 SH), Research on the Words of the Quran, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Arabic]
- Maarif, Majid and Abul-Qasim Ajaqlo, (1385 SH) "Typology of the Explanation of Religious Terms in the Narrations of the Infallibles (AS)", Articles and Reviews, Office 79. [Link]
- Masoud Hosseini, Sayyid Ali ibn Ahmad ibn Muhammad (Ibn Masoudah Madani), (1426 AH), Taraz al-Awwal wa Aknaz lma ali min lahja al-Arab al-Ma'awul, first edition, Mashhad, Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Moeen, Mohammad, (1381 SH), Farhang al-Moeen, compiled by Azizullah Alizadeh, fourth edition, Tehran, Adna. [in Persian]
- Mughniyeh, Mohammad Javad, (1424 AH), Tafsir al-Kashif, first edition, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Mufid, Mohammad ibn Mohammad, (1413 AH), Al-Ikhtasas, Mohaqiq Ali Akbar, Ghaffari and Mahmud, Mohammadi Zarandi, Qom, first edition, International Congress for the Millennium of Sheikh al-Fayed. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser, (1371SH), Tafsir Namuna, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyyah Publishers, tenth edition. [in Persian]
- Mahdavi Rad, Mohammad Ali; Fahimeh Hosseini Kouhi, "The Methodology of the Infallibles (AS) in the Literal Interpretation of the Holy Quran," Hadith Andisheh, Spring 2012, 24, No. 13. [Link]

Nafisi, Ali Akbar, (1355 SH), Nazim al-Dattas (Nafisi Library), Bi-Ja, Khayyam Bookstore. [in Persian]

Wem Smart, Spherical Astronomy, translated by Davud Mohammadzadeh Jesur, (1404 SH), 10th edition, Tehran, University Publishing Center. [in Persian]

Huil, Fard, (1339 SH), The Boundaries of Astronomy, translated by Aqsa, Reza, Amir Kabbir Publications, Franklin, Tehran. (in English)

Carroll, Bradley W. & Ostlie, Dale A. (2007), "An Introduction to Modern Astrophysics", Pearson, Chapter. (in English)

Hubble, E. (1929). "A relation between distance and radial velocity among extra-galactic nebulae", "Proceedings of the National Academy of Sciences", Vol. 15, pp.168-173. [in English]

